

## "شهر، هتل نیست"

ناصر برک‌پور<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۵

«شهر» تاکنون بارها در آثار مختلف موضوع تشبیه یا نفی تشبیه بوده است. منظور کریستوفر الکساندر (۱۹۶۵) از «شهر، درخت نیست» در مقاله معروف خود، این بود که شهرهای طبیعی به تدریج و در طول تاریخ شکل گرفته‌اند و از این رو ساختاری پیچیده و شبکه مانند دارند. در این شهرها، تنوع، کثرت و هم‌پوشانی فضاها و فعالیت‌ها موجب سرزندگی حیات شهری می‌شود، اما شهرهایی که به طور مصنوعی طراحی و ساخته می‌شوند ساختاری ساده و درختی دارند و از این رو بی‌روح و کسل‌کننده‌اند. کوین لینچ (۱۹۶۰) در کتاب «تصویر ذهنی از شهر»، تحت نفوذ رو به گسترش زبان‌شناسان و ساختارگرایان، شهر را به نوعی متن چاپی و نوشتاری تشبیه کرد و خود او از اولین کسانی بود که الفبای این متن را شناسایی و معرفی کرد. از نظر او شهر نیز همچون متن نوشته شده می‌تواند از نظر افراد روشن و خوانا و یا برعکس، مبهم و آشفته باشد. خوانایی، به خاطر سپاری و بازشناسی اجزای محیط شهر در ذهن، مفاهیم کلیدی در نظریه او بودند. اما پیش از آن دو و به احتمال زیاد الهام‌بخش آنان، لودویگ ویتگنشتاین (۱۹۸۶)، از شهر برای تشبیه موضوع پیچیده‌تر و انتزاعی‌تر زبان استفاده کرد و تعبیر «زبان همچون شهری قدیمی» را به کار برد. او در این تعبیر، زبان را به شهری قدیمی تشبیه می‌کند، هزارتویی از کوچه‌پس‌کوچه‌ها، میدانچه‌ها و خانه‌هایی با الحاقاتی از دوره‌های مختلف که خیابان‌ها و خانه‌های جدید آن را احاطه کرده‌اند.

تعبیر فوق در برنامه‌ریزی و طراحی شهری و همچنین فلسفه تحلیلی زبان بسیار شناخته شده و جاافتاده‌اند. اما تعبیر «شهر، هتل نیست» جان فریدمن (۱۹۹۹) اگرچه نسبتاً جدید و ناشناخته است در حوزه مدیریت شهری و جامعه شهری ایران معنادار و بهنگام است. بر اساس این تشبیه، ممکن است تصور شود شهر هم مثل هتل جایی برای اقامت ساکنانی و تحت اداره مدیرانی است. در این هتل که معمولاً هتلی طبقاتی است ساکنان و میهمانان پردرآمد طبقات بالایی و گران‌قیمت را اشغال می‌کنند و بقیه به تدریج در سایر طبقات ساکن می‌شوند. حتی عده‌ای در بیرون از هتل و در گوشه و کنار خیابان جایی برای خود دست‌وپا می‌کنند. مدیریت هتل نیز در هنگام ارائه گزارش به سهام‌داران، بیش از هر چیز در اندیشه تراز مالی، سودآوری و افزایش سهم از بازار هتل‌داری منطقه است. به طور کلی و با این تلقی، بسیاری از مردم تمایل دارند طوری در شهر زندگی کنند که گویی در هتل به سر می‌برند. مدیران شهری نیز خود را همچون مدیران هتل و مردم در ساکنان هتل-شهر تلقی می‌کنند و هدف خود را بهبود خدمات، کاهش هزینه‌ها و افزایش سود می‌دانند.

به نظر واضح این تشبیه، سه نکته یا ایراد مهم و اساسی در این طرز تلقی وجود دارد. نخست این که مردم، به مفهومی که در مورد بنگاه‌های اقتصادی به کار می‌رود مالک شهر نیستند. دوم، شهرها سودآور نیستند و سوم، که تفاوتی پنهان ولی عمیق دربردارد این است که ساکنان شهر به گوشه‌ای از شهر دلبسته‌اند و به آن احساس تعلق دارند. شهر، تصویری از هویت جمعی آنان را تشکیل می‌دهد. اما اگر شهر، مؤسسه اقتصادی و انتفاعی نیست و مدیران شهری هم هیات مدیره آن نیستند پس چیست؟ گروه مدیریت شهر باید به چه کسی گزارش دهد؟ اگر ساکنان شهر میهمانانی نیستند که فقط باید پول بپردازند و در آن اقامت کنند پس کیستند؟ شهر برخلاف هتل، یک سیستم اجتماعی و نوعی جامعه سیاسی است. یکی از مواردی که شهر را از هتل متمایز می‌کند مفهوم شهروندی و حقوق و تکالیف مترتب بر آن است. بر این اساس، شهر یا جامعه سیاسی دارای مقتضیاتی است که بدون آنها به محلی مانند هتل تبدیل می‌شود. در تلقی «شهر همچون هتل»، انتظار مدیریت شهری آن است که ساکنان شهر مالیات و عوارض بپردازند و مدیران هم به ازای آن خدمات شهری ارائه دهند. در حالی که شهر، هویتی جمعی است که مدیریت آن باید پاسخگوی ساکنان درازمدت، یعنی شهروندان آن باشد. در تحلیل نهایی، شهروندان هستند که هیات مدیره شهر را تشکیل می‌دهند و باید قدرت روی کار آوردن و برکنار کردن مدیریت شهر را داشته باشند.

## فهرست منابع

### انگلیسی

- Alexander, Christopher (1965) A City is Not a Tree, Architectural Forum, Vol 122, No 1, pp 58-62.
- Friedmann, J (1999), The Common Good: Assessing the Performance of Cities. In J Friedmann (Ed.), Urban and Regional Governance in the Asia Pacific (pp. 1-16). The University of British Columbia, Vancouver, Canada.
- Lynch, Kevin (1960) The Image of the City, The MIT Press.
- Wittgenstein, Ludwig (1986) Philosophical Investigation, Translated by G. E. M. Anscombe, Basil Blackwell.

# A City is not a Hotel

---

**Naser Barakpour**<sup>1</sup>

Received Date: 1 March 2020

Accepted Date: 15 August 2020

---

“A city is not a Hotel”, a metaphor which has been used by John Friedmann to describe transformations of local governance, is relatively new and unknown, but in relation with urban society and management of Iran today is timely and meaningful. Based on this metaphor, it is assumed that the city would be like a hotel. As a hotel, well-paying guests occupy the top floors of the tower, whilst numbers of homeless people jostle in the alleys. According to Friedmann (1999), there are three fatal flaws in this metaphor. No one can be said to “own” the city in the sense that stockholders own a capitalist enterprise. Cities are not supposed to be “profitable” and many of the city’s inhabitants harbor strong attachments to the small corner of the earth. But if the city is not a capitalist enterprise, and there is no distinguished Board of Directors, then what is it? ...The city is not a “hotel”, because it is, potentially at least, a political community, a collective entity whose management is ultimately accountable to its long-term residents, its “citizens”. It is citizens who constitute its “putative” Board of Directors”, with the implicit power to “hire and fire” the city’s management.

**Keyword:** Local Governance, Political Community, Citizenship

---

1. Faculty of Architecture and Urban Planning, University of Art, Tehran, Iran  
barakpoo@art.ac.ir